

یک کتاب دعا یک خاندان شیعی

کتاب دعاي ذخیره الاخره، گزیده ای است از دعاهاى متعلق به زمانهای مختلف، نمازهای مستحب، آداب روزهای متبرک و شریف سال، تعقیبات نماز، زیارت عاشورا و در نهایت شرحی در باب زیارت امام رضا علیه السلام. این متن در قرن ششم هجری تدوین شده و در شمار کهن ترین آثار دعایی شیعه است که بر جای مانده است. تقریباً همزمان با این اثر، کتاب مفصل دیگری در زمینه دعا با نام *نزهة الزاهد و نزهة العابد* نگاشته شده که آن متن نیز همراه توضیحات فارسی است، اما مؤلف آن را نمی شناسیم. در مجموعه نخست *مقالات تاریخی* شرحی از تاریخ ادب دعا در شیعه آوریم. در اینجا به معرفی این اثر می پردازیم.

در واقع، بعد از کتاب *مصباح المتهجد* شیخ طوسی (م ۴۶۰) آثار مهم دعایی شیعه، به ابن طاووس (م ۶۶۲) باز می گردد. ابن طاووس از بسیاری از آثار کهنی که در قرن سوم و چهارم هجری تألیف شده بوده بهره برده است. *ذخیره الاخره و نزهة الزاهد* پس از *مصباح* و پیش از آثار ابن طاووس نوشته شده و ارزش آنها نیز از همین روست.

آنچه افزون بر سیر ادب دعا در شیعه اهمیت دارد آن که این دو اثر یادآور زندگی شیعیان امامی است که در قرن ششم و هفتم در ری و خراسان زندگی می کرده و آثاری در این زمینه تألیف کرده اند. بیشتر آثار فارسی شیعیانی که پیش از عصر صفوی در ایران

ص: ۳۶۹

زندگی می کردند، مربوط به قرن ششم و هفتم هجری می باشد. باید توجه داشت که مرکز ثقل شیعیان در این دوره، شهرهای قم، ری، کاشان و سبزوار بوده و عالمان شیعه ایرانی این عهد، در اصل از شاگردان شیخ طوسی، شیخ مفید و سید مرتضی بوده اند. آنها از ایران به بغداد و نجف رفته و پس از تحصیل به این دیار باز می گشتند. نمونه آنها، جدّ مؤلف کتاب ذخیره است. شرحی از این جریان را در تاریخ تشیع در ایران، از آغاز تا دوره صفوی آورده ایم.

به دست آمدن دو کتاب در دعا در ادبیات فارسی، نشانگر آن است که تشیع در ایران قدرتمند بوده و فارسی زبانان فراوانی بوده اند که از این قبیل کتابها بهره می برده اند.

در همین محدوده جغرافیایی آثاری به عربی هم تألیف می شده که از جمله آنها، همانگونه که خواهیم دید، کتاب یکی از اقوام مؤلف همین کتاب، با نام *منیة الداعی* است؛ اثری که ابن طاووس از آن بهره برده است.

کوشش برای شناخت مؤلف، ما را به شناخت یک خاندان برجسته شیعی رهنمون کرد که آگاهیهای باارزشی از آنها را میرزا عبدالله افندی به تناسب در موارد مختلف کتاب ریاض آورده است. این خاندان، که سبزواری نیشابوری شناسانده شده اند در اصل متعلق به طایفه عربی بنی تمیم بوده اند که به مرور، مانند هزاران خاندان مشابه ایرانی شده اند. همانگونه که گذشت خاندان تمیمی، از خاندانهای سرشناس شیعی در قرن ششم بوده و منتجب الدین در فهرست خود، نام چهار دانشمند این خاندان را یاد کرده است. نیز گفتنی است که این خاندان نیشابوری و سبزواری بوده،^۱ برخی از چهره های این خاندان، مقیم نیشابور و برخی مقیم سبزواری بوده اند. بنا به نقل منتجب الدین، در زمان وی، یکی از چهره های این خاندان یعنی رکن الدین محمد در سبزواری ساکن بوده است.

مؤلف ذخیره الاخره در آغاز این اثر نام خود و اجدادش را چنین بیان کرده است: علی بن محمد بن ابی الحسن بن عبدالصمد التمیمی.

ص: ۳۷۰

برای روشن شدن چهره این خاندان بحث را از نخستین چهره شناخته شده این خاندان آغاز می کنیم. در باره جد نخست اینان، یعنی عبدالصمد، گفته شده که شاگرد شیخ صدوق بوده است.^۲ نام پدر عبدالصمد، محمد بوده و این از سندی در کتاب بشاره المصطفی آمده به دست می آید.^۳ افندی با استناد به اسناد کتاب بشاره المصطفی از وی با عنوان کان من أجله علماء الاصحاب یاد کرده و شمار زیادی از مشایخ وی را برشمرده است. پس از آن می نویسد که وی در طبقه شیخ مفید بوده و همانطور که از اسناد کتاب مزبور بر می آید هم به واسطه و هم بی واسطه از شیخ صدوق روایت کرده است.^۴ پس از وی شهرت از آن فرزندش ابوالحسن علی بن عبدالصمد بن محمد تمیمی است که از چهره های برجسته این خاندان شیعی است.

در ابتدای سندی که در امالی صدوق آمده از وی بانام «الشیخ الفقیه ابوالحسن علی بن عبدالصمد التمیمی» یاد شده است.^۵ وی شاگرد شیخ طوسی و راوی آثار وی بوده و منتجب الدین از او با عنوان «فقیه، دین» یاد کرده است.^۶ وی با یک واسطه؛ یعنی ابوالبرکات علی بن الحسین علوی، از شیخ صدوق روایت کرده است. در سندی که در آغاز برخی از نسخ عیون اخبار الرضا آمده، چنین به دست می آید که فرزند وی، علی، در سال ۵۴۱ در خانه پدرش ابوالحسن علی بن عبدالصمد، از وی اجازه روایت کتاب عیون را دریافت کرده است.^۷ در این صورت، وی به عنوان شاگرد شیخ طوسی (م ۴۶۰) باید عمری بسیار طولانی کرده باشد که در

۱. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۱۱ (تصحیح سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۶)

۲. در باره عبدالصمد نک: ریاض العلماء، ج ۳، صص ۱۲۴ - ۱۲۵؛ النقات العیون فی سادس القرون، ص ۲۰۴ (آقابزرگ طهرانی، به کوشش و اضافات علی تقی منزوی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۲ ق.)

۳. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۲۴

۴. ریاض العلماء، ج ۳، صص ۱۲۴ - ۱۲۷

۵. امالی الصدوق، ص ۱۱ (بیروت، اعلمی، ۱۹۸۰)

۶. الفهرست، ص ۱۰۹، ش ۲۲۲ (منتجب الدین ابی الحسن علی بن عبیدالله ابن بابویه رازی، تصحیح عبدالعزیز طباطبائی، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۴۰۴)

۷. ریاض العلماء، ج ۳، صص ۳۳۶ - ۳۳۷

سال مزبور زنده مانده باشد ! سند مزبور به این ترتیب است : ... عزالدین سیدالشرف ابومحمد شرفشاه بن ابی الفتوح محمد بن حسین

ص: ۳۷۱

علوی نیشابوری از الشیخ الفقیه العالم ابوالحسن علی بن ابی الحسن علی بن عبدالصمد تمیمی پدرش ابوالحسن علی بن عبدالصمد تمیمی در خانه اش در نیشابور در سال ۵۴۱ از ابوالبرکات علی بن حسین حسینی خوزی از ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) ...^۸ نکته ای که باید توجه داشت آن که نام و کنیه فرزندش هم در این سند همانند نام پدر ذکر شده است. بر اساس آنچه از منابع مختلف به دست می آید، علی بن عبدالصمد سه فرزند با نامهای، علی، محمد و حسین شده است.^۹

فرزند نخست او، رکن الدین علی بن علی، به نقل منتجب الدین شاگرد پدرش و نیز شاگرد ابوعلی فرزند شیخ طوسی بوده است.^{۱۰} علی و برادرش محمد - که ذکرش خواهد آمد - از مشایخ ابن شهر آشوب در نقل آثار ابوجعفر طوسی و صدوق بوده اند.^{۱۱} آنها همچنین از مشایخ قطب راوندی بوده اند. وی در الخرائج و الجرائح^{۱۲} و نیز در قصص الانبیاء روایاتی از این دو نقل کرده است.^{۱۳} فضل الله راوندی در پشت نسخه ای از امالی نوشته است که علی بن علی بن عبدالصمد به وی و دو فرزندش احمد و علی، اجازه روایت امالی را داده و این اجازه را در سال ۵۲۵ از نیشابور برای وی فرستاده است.^{۱۴}

فرزند دوم وی، حسین بن علی بن عبدالصمد، نیز توسط منتجب الدین معرفی

ص: ۳۷۲

شده و از وی با عنوان «فقیه ثقة» یاد شده است.^{۱۵} رکن الدین محمد فرزند حسین بن علی بن عبدالصمد بوده که منتجب الدین از وی با عنوان «فقیه، ذین، ثقة بسبزواری» یاد کرده است.^{۱۶} فرزند سوم وی، محمد بن علی بن عبدالصمد است که کنیه اش ابوجعفر بوده است. گذشت که وی از مشایخ ابن شهر آشوب بوده. منتجب الدین، از فرزند سوم، یعنی محمد یاد نکرده است.

۸. ریاض العلماء، ج ۳، صص ۳۳۶ - ۳۳۷

۹. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۱۱

۱۰. الفهرست، ص ۱۰۹، ش ۲۲۳

۱۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، صص ۳۳، ۳۴ (ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲)

۱۲. الخرائج و الجرائح، (تحقیق: مدرسه الامام المهدی «ع»، قم، ۱۴۰۹) ج ۳، ص ۱۰۶۲. در ص ۷۹۵ از شیخ محمد بن علی بن عبدالصمد از پدرش نقل کرده است. مشکل آن است که در ص ۷۹۲ می نویسد: شیخ علی بن محمد بن عبدالصمد روایت کید برای ما از پدرش از سید ابوالبرکات. قاعدتا باید این علی بن علی بن عبدالصمد باشد

۱۳. سند نخستین روایت قصص الانبیاء (تصحیح غلامرضا عرفانیان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۹) چنین است: أخبرنی الشیخ علی بن علی بن عبدالصمد ... (ص ۳۵). آغاز سند روایت شانزدهم چنین است: أخبرنا الشیخ محمد بن علی بن عبدالصمد... (ص ۴۸). سند روایت شماره ۲۳۵ چنین آغاز می شود: أخبرنا جماعة منهم الإخوان الشیخ محمد و علی ابنا علی بن عبدالصمد عن أبيهما... (ص ۱۸۸). معمولاً به دنبال این اسناد، روایات چندی با همان سند نقل می شود.

۱۴. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۷۸

۱۵. الفهرست، ص ۵۳، ش ۱۰۰

۱۶. الفهرست، ص ۱۷۳، ش ۴۲۲

اگر نامی را که در اول کتاب حاضر آمده بپذیریم، به این معنا که نامی حذف شده در آن نباشد، باید اظهار کنیم که مؤلف ذخیره الاخره که نامش علی است، فرزند همین محمد است؛ زیرا وی خود را علی بن محمد بن ابی الحسن [علی] بن عبدالصمد التمیمی نامیده است.

صاحب ریاض سند موجود در برخی از نسخه های امالی صدوق نقل کرده است که کاتب آن همین علی بن محمد بن ابی الحسن بن عبدالصمد التمیمی (همان نامی که در اول کتاب ذخیره آمده) است. وی در آنجا نوشته است: حدیث کرد مقامی این کتاب را برای ما الشیخ الفقیه العالم الزاهد المفید والدی قراءه علیه وخطه عندی حجه فی شهر سنه ثلاث و ثلاثین وخمسائة (۵۳۳). و او از پدرش - یعنی علی بن عبدالصمد شاگرد شیخ - و او از ابوالبرکات علی بن حسین الخوزی و محمد بن احمد از صدوق^{۱۷} سال ۵۳۳ تاکنون تنها سالی است که از مؤلف ذخیره در دست داریم.

تعايير الفقيه العالم الزاهد درست در مقدمه کتاب ذخیره نیز آمده است. تا این جا این تنها تاریخی است که ما از مؤلف داریم. طبعاً او در این سال مشغول به تحصیل بوده است.

شیخ حر عاملی در وسائل نوشته است: شیخ علی نیشابوری از شیخ زاهد علی بن محمد بن ابی الحسن بن عبدالصمد التمیمی از پدرش کتاب الکفایه فی النصوص

ص: ۳۷۳

را از مؤلفش علی بن محمد خزاز قمی روایت کرده است.^{۱۸} پس از آن افندی نوشته است: این همان شیخ علی بن محمد بن علی بن عبدالصمد التمیمی است. طبعاً سبط علی بن عبدالصمد نیشابوری سبزواری است. پدرش هم از علما بوده. عمش ابوالحسن بن شیخ ابوالحسن علی از مشاهیر علما بوده و عم دیگر او حسین بن شیخ ابوالحسن علی بوده است.^{۱۹}

اگر آنچه گفتیم درست باشد، نباید مؤلف ذخیره را با مؤلف کتاب منیة الداعی و غنیة الواعی خلط کنیم.^{۲۰} کتاب منیة الداعی در اختیار ابن طاووس بوده و وی در امان الاخطار^{۲۱} و نیز مہج الدعوات،^{۲۲} ادعیه فراوانی از آن نقل کرده است. مؤلف آن علی بن محمد بن علی بن حسین بن عبدالصمد یاد شده است.^{۲۳} ابن طاووس در جای دیگری مؤلف کتاب را علی بن محمد بن عبدالصمد یاد کرده است.^{۲۴} به نظر می رسد که باید در مورد نخست جای علی و حسین عوض شود. در واقع نام مؤلف منیة عبارت است از: علی بن محمد بن حسین بن علی بن عبدالصمد. شاهد آن است که وی پدر مؤلف ذخیره را که استادش بوده و نامش محمد،

۱۷. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۲۲

۱۸. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۵؛ ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۸۵

۱۹. ریاض، ج ۴، ص ۱۸۵

۲۰. در امل الامل کتاب منیة الداعی به علی بن محمد بن علی بن عبدالصمد، یعنی مؤلف ذخیره نسبت داده شده است.

۲۱. امان الاخطار، صص ۳۴، ۱۳۰، ۱۳۱ (الامان من أخطار الاسفار و الازمان، السیدعلی بن موسی بن طاووس، تحقیق موسسه آل البيت، قم،

۱۴۰۹)

۲۲. مہج الدعوات، صص ۳-۸، ۱۰، ۱۸، ۳۴، ۳۶-۴۴. نک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۴۵۱ (اتان کلبرگ، ترجمه سید علی قرائی، رسول

جعفریان، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۳۷۱)

۲۳. امان الاخطار، ص ۷۴

۲۴. امان الاخطار، ص ۱۳۰

عموی پدر خود می داند. مؤلف منیه از عموی پدرش که نزد وی درس خوانده به این ترتیب یاد می کند: حدثنا الشيخ الفقيه ابو جعفر محمد بن ابي الحسن رحمه الله عمّ والدی.^{۲۵}

در سندی که در فرائد السمطين آمده، نام محمد بن حسين بن علی بن عبدالصمد آمده است.

ص: ۳۷۴

در ادامه افزوده است: عن والده عن جده محمد.^{۲۶} در این سند نام جد وی محمد نیست. ممکن است مقصود «عمه» باشد که همان ابو جعفر محمد است که صاحب منیه الداعی هم مکرر به عنوان «عم ابيه» از او نقل می کند.^{۲۷}

در صورتی که نام مؤلف منیه الداعی علی بن محمد بن علی بن حسين بن عبدالصمد باشد و جاب جایی در اسم علی و حسين صورت نگیرد، باید نام علی را میان حسين و عبدالصمد بیاوریم، چون مطمئن هستیم که جد این خاندان علی بن عبدالصمد است. در این صورت حسين بن علی بن عبدالصمد، فرزندی با نام علی خواهد داشت و او فرزندی با نام محمد و او فرزندی با نام علی که این مؤلف منیه خواهد بود. به نظر نمی رسد این راه درستی باشد. بهتر همان است که نام مؤلف منیه را علی بن محمد بن حسين بن علی بن عبدالصمد بدانیم. آیا ممکن است عبدالصمد، افزون بر فرزندی به نام علی، فرزندی به نام حسين هم می داشته است؟ آقابزرگ در الثقات مؤلف منیه الداعی را علی بن محمد بن علی بن علی بن عبدالصمد آورده است.^{۲۸} این نیز برخلاف نامی است که ابن طاووس در امان الاخطار آورده است. در آنجا نام وی چنین آمده: علی بن محمد بن علی بن حسين بن عبدالصمد.

تاریخی که از این مؤلف در دست داریم، سال ۵۲۹ است که به نقل ابن طاووس در مهج، در آن سال وی از جدش سماع حدیث کرده است.^{۲۹} با مقایسه این تاریخ با تاریخی که از یادداشت مؤلف ذخیره بر امالی صدوق داریم یعنی سال ۵۳۳، چنین به دست می آید که این دو، در سنینی نزدیک به هم بوده و طبقه آنها برابر با یکدیگر نزدیک است. این مسأله توجیهی که در بالا آوردیم و آن را نادرست خواندیم، نادرستر می نمایاند.

ص: ۳۷۵

در این باره هنوز جای تحقیق وجود دارد. همچنین مشکل سالهای حیات مربوط به جد یعنی سال ۵۴۱ و عالم و بالغ بودن نواده فرزندش در ۵۲۹ باید حل شود. مؤلف ذخیره کتابش را به امیر سیّد رئیس شرف السادة جمال العترة محمد بن ابي طالب بن ابي محمد الموسوی تقدیم کرده است. از این شخص عجالتا آگاهی به دست نیاوردیم. وی باید از رؤسای سادات در قرن ششم باشد. مؤلف کنیه پدر وی و جدش را آورده و این کار جستجو را دشوار کرده است.

۲۵. ریاض العلماء، ج ۴، صص ۱۱۲، ۱۱۴ از مهج الدعوات همین تعبیر در امان الاخطار، ص ۷۴ نیز آمده است.

۲۶. فرائد السمطين (ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی خراسانی، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت، ۱۴۰۰) ج ۲، ص ۱۵۱. در اینجا نام راوی چنین آمده: محمد بن حسين بن علی بن عبدالصمد.

۲۷. در فرائد السمطين، (ج ۲، ص ۱۴۲) آمده: عن محمد بن حسين بن علی بن محمد بن عبدالصمد در اینجا یک محمد میان علی و عبدالصمد فاصله شده که وجهی ندارد. در آنجا نیز در ادامه آمده عن جده محمد عن ابيه در حالی که راوی در آن روایت نیز علی است نه محمد تعبیر عن جده برای افندی نیز نامفهوم مانده است. نک: ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۵۵

۲۸. الثقات العيون، ص ۲۰۵

۲۹. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۲۳

کتاب ذخیره مورد شناسائی علمای صفوی و پیش از آن نبوده و تا قبل از آنی که دو نسخه از آن در فهرس جدید شناخته شود، گویا کسی از آن آگاهی نداشته است. در حال حاضر نسخه نخست آن به شماره ۲۰۲۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شماره دفتر ۲۲۶۴۶) است که نسخه ای است زیبا و کتابت شده در شوال سال ۹۷۱^{۳۰}.

نسخه دیگر آن به شماره ۱۳۷۵ در کتابخانه جامع گوهرشاد نگاه داری می شود. این نسخه نیز به خطی زیبا نوشته شده و هر دو نسخه ترجمه فارسی ادعیه را در ذیل کلمات دارد. با توجه به نثر آن، بعید می نماید که ترجمه نیز چون اصل تألیف از مؤلف باشد، به ویژه که وی در مقدمه یادی از این نکته نکرده است. گفتنی است که ادعیه این کتاب، در مقایسه با موارد مشابه در نزهة الزاهد و مصباح تفاوتی ندارد. اختلاف تنها در کوتاه کردن متن برخی از دعاها توسط مؤلف است که وی به قصد اختصار چنین کاری را انجام داده و خود در مقدمه خواسته است تا کسی آن را کم و زیاد نکند. مقدمه مؤلف که شرحی است از چگونگی تألیف کتاب چنین است:

چون روزگار امیر سیّد رئیس شرف السادة جمال العترة محمد بن ابی طالب بن ابی محمد الموسوی - متّعنی الله به - مؤلف این کتاب علی بن الشیخ الفقیه العالم الزاهد محمد بن ابی الحسن بن عبدالصمد التمیمی امتحان کرد حال وی آراسته یافت به خصال رضى و کرم مرعى ؛ ظاهر و باطنش صافی از سککات و حرکات ناپسندیده، اوقات آیام و لیالی وی بر چیزهای بایسته، فلله درّه، چه عجب که شاخی است از درخت رسالت

ص: ۳۷۶

و غُصْنی است از دَوْح امامت در باغ طهارت و عصمت، م کارم اخلاق آباء و اجداد خویش پیش گرفته و بر آن منهاج پیش رفته و صلاح و تقوی شعار و دثار خویش ساخته ؛ چون حال وی چنین یافتم حق دوستی وی رعایت کردم و بر خود واجب داشتم کتابی ساختن چنان که موافق حال وی باشد . با کتب اصحاب - رحمهم الله - رجوع کردم و زبده ای از آنجا بیرون گرفتم و نه مطوّل چنان که بدان قیام تواند کرد و ملال و سآمت نیاورد و وی را در عمل کردن بدان ثواب بسیار بود و نام این کتاب ذخیره الآخرة نهاده آمد و سیاقش بر چهار فصل رانده شد:

فصل اوّل در یاد کردن تعقیبات فرایض و سنن.

فصل دویم در یاد کردن آنچه در بعضی از روزهای سال بجای باید آورد.

فصل سیم در آنچه بامداد و شبانگاه باید خواند از حرز و غیر آن.

فصل چهارم در دعاهاى پراکنده و زیارت امام رضا.

چشم دارد مؤلف این کتاب که هرگاه که سیّد رئیس یا کسی دیگر از این کتاب فائده گیرد یا بخواند به دعا یاد دارد و از زیاده و نقصان احتراز کنند و الله المستعان و علیه التکلان.

ص: ۳۷۷